اصلاح وكارا بيدو/ مصطفى سعيد

ضيوفتي

نظام

فرشيدورد... كخود وراضي اصولات جدید
بیماری در دستور فارسی هستند. نیز، این
اصلاح دو نکته: اینکه. این اثر در کتاب
دستور خود می‌نویستند:

ضریب شخصی یکینه (نقطه) بر دو قسم

است: یکی فعال و دبیر غیر فعال. ضیای
فعل که می‌توان آنها را پیوندها فاعلی نیز
نامید. عبارتند از: اما، از، ای. اما، ای. اما.
ضریب‌های غیر فعال عبارتند از: اما، این، این، 
مان. این. این. این. این. این. این. این. این.

ضرایب قلمی و شکل‌ها: حیات یکینه به دو نوع

ظرافاً، سرجیمه کاربرد این اصلاح. دستور
دستور زبان معرفی به "دستور بنج استاد".

است. در این کتاب، ضمن به‌نحو انواع

ضرایب و تنظیم ضرایب شخصی به دو نوع

پیوندها و جدا (مستقل و مستقیل)، ضرایب

ضرایب خود به این روش‌ها دو نوع می‌گردد:
ضرایب فعال، ضرایب مستقل و ضرایب اضافی.

ضیای فعال به دو قسم: می، می و

ضرایب معرفی و اضافی: م، می، می، می، می، می.

مان: دیشب "علیه بر کتاب‌های دستوری چون

دستورهای بیشتر معلم و دبیرستان‌ها... که در تمام

اصل منبع به تامین این اصلاحات به کار

روده و در دستوری که دو استاد سبک زیر

عده: دستور زبان فارسی 2 نگاشتند. این

از اصلاح همچنان به چشم می‌خورد.

در این میان نظرات آقای دکتر تنیر

بشیر جالب توجه است، این اثر بارزتر

از جمله این اصلاحات. اصلاح

ضرایب‌ها، ضرایب معرفی، ضرایب اضافی و

اخیراً ضرایب سنتی است. (و) به همین

قياس پیش برادر لایه به روی ضرایب مدرنی. ضرایب

بدنی و ضرایب نیایی و... بنی چهارشده

شد.

در هر صورت، اصلاح در دو دوی و

صحیح به کار برده شود، زیرا که به‌دست در

کاربرد اصلاحات موجود به‌روز می‌گردد و خواهد

بود. معلم و درمن این می‌گردد و به بپایی اصلاحات

کاذب و غلط نخورده می‌تواند. به این جهت باید

نسبت به کاربرد اصلاحات در هر

رشه و موضوعی، حساسیت نمود.

متاسفانه، آفت نامی و پیدا در کاربرد

اصلاحات دستوری در دیگر دستورات، در

سواردارهای لر، جند، و روان بیان آورده است.

و دستور زبان فارسی که "برخوردار" این انواع

بیماری‌هاست، در این بوده این آفت، مصداق

ضرر: مثالی می‌تواند "گل یا چرب" به

آرامش ترسیم گردد. این

در این میان به بررسی این موضوع از نظر

اصلاحات می‌باشد و می‌کوشیم که

بنیان دو و روان آن را درک کنیم و غلط بودن آنها

را اثبات کنیم.
علت بیداشت و رواج اصطلاح ضریب ناقص، ضریب مفعالی، و ضریب واکنش
و... در این است: خسته، امیختن بدون بد و... در جنگ با گالانه کلمات
در دستور؛ البته مفهوم غیر علیه یک نوع کلمه و دیگر
تأمیرنیزی از زبان‌های بیگانه.

ظاهرانه، در سرنجنه و علت بیداشت مقاومته به نام ضریب ناقص
ور به تبع از ضریب مفعلی و ضریب واکنش، یکی داستان "شناخته" و
ضرایب شخصی بیشتر است.

یعنی مثل ها ضریب "ما" که در جمله "ما در پی باشد
عکس روز باشد (دیگر) تشکر فاعلی دارد (عینی
ویژگی عارضه آن فاعل بوده است) اما فعوهم
و اصلی (عینی ضریب بودن) نتفیق می‌شود و
ما اصلی خاصه اشتباه به نام ضریب
فعالی است.

اگر هم "ضریب ناقص" است، چرا در
جملهای دیگر مثلاً "سافک" به نور برده از روز
جام ما یا "اگر را به دو تری است که معلوم
آن نیست، دیگر ضریب فاعلی به شمار
نیست؟" این که بر اساس صوت، و
شانس، یک دیگر نیست. اما در
میان مجموعه و از آن، ویژگی‌های که
در این مجموعه و از آن، ویژگی‌های که
می‌توان از آن را نیست که نیست. در
جهت از این توضیح، برجا بوده است
خخصوصیات خاصی که از این، ویژگی‌های که

تا باید که که باید که که باید که که

در هر حال از این توضیح، برجا بوده است
خخصوصیات خاصی که از این، ویژگی‌های که

تا باید که که باید که که

در حال که ناشناخته، نباید
بگوید "ضریب ناقص". البته
ضریب "ما" مناسب است که در هر صبحه
فظاوند، نیز "ضریب مفعالی" و دیگر
"ضریب واکنش" است.

همانطور که دکتر خانقی تصمیم گرفت "سرد" ناشناخته، خصوصاً از این کلمات فارسی، در
حال که ضریب، در هر صبحه مناسب، باید مناسب، یکی از این کلمات متفکری
فارسی است. و این اساسی نشانه نشان است
اختلاف ضریب متعلق و شناخته است.

"دستور" اصطلاحی است که علیه ضریب
ضریب ناقص و دیگر نیز بیان نمی‌شود.

در هفته این که آن است که این دو
جهت یا صفحه قابل تلقی نبوده، و هر
یک باید جداگانه تصمیم بگیرد.

در دستور، بیداشت اصطلاحات ضریب فاعلی و
ضریب مفعالی، یکی از علیه، عدم توجه به همین نکته
هم می‌آید. این دو دیگر متداول است.

در زبان فارسی، به کار بردن مقایسه و اصطلاحات به
نام ضریب فاعلی و ضریب مفاعل و متعلق
است که در پی خواهد آمد، حتی در باب ضریب
نوکلی (عینی آن با این) نیز گاهی تأمین است که
در میانه راه گیرد و به طور مستقیم باید بپذیرد.

اما علت بیداشت و رواج اصطلاح ضریب
فاعلی و ضریب مفعالی و... در این است: نشانه، امیختن بدون بد و... در جنگ با گالانه
کلمات در دستور. یعنی حل مفهوم عارضه
ضریب درونکننده و دیگر نیز بیان نمی‌شود.

در هر حال این که آن است که این دو
جهت یا صفحه قابل تلقی نبوده، و هر
یک باید جداگانه تصمیم بگیرد.

در دستور، بیداشت اصطلاحات ضریب فاعلی و
ضریب مفعالی، یکی از علیه، عدم توجه به همین نکته
هم می‌آید. این دو دیگر متداول است.

در زبان فارسی، به کار بردن مقایسه و اصطلاحات به
نام ضریب فاعلی و ضریب مفاعل و متعلق
است که در پی خواهد آمد، حتی در باب ضریب
نوکلی (عینی آن با این) نیز گاهی تأمین است که
در میانه راه گیرد و به طور مستقیم باید بپذیرد.

اما علت بیداشت و رواج اصطلاح ضریب
فاعلی و ضریب مفعالی و... در این است: نشانه، امیختن بدون بد و... در جنگ با گالانه
کلمات در دستور. یعنی حل مفهوم عارضه
ضریب درونکننده و دیگر نیز بیان نمی‌شود.

در هر حال این که آن است که این دو
جهت یا صفحه قابل تلقی نبوده، و هر
یک باید جداگانه تصمیم بگیرد.

در دستور، بیداشت اصطلاحات ضریب فاعلی و
ضریب مفعالی، یکی از علیه، عدم توجه به همین نکته
هم می‌آید. این دو دیگر متداول است.
کنیم: علی را دیم او و را دعوت کرد.
درحالی که این خاصیت دریافتی شناسانه
مصداق ندارد. به‌طور کلی به جمله «دانشجویان» باشند. این در نهایت بازار
مستلزم حذف شناسانه نمی‌گردد. مثلاً، جمله
«برو به دانشگاه، آمدی» به نمی‌توانیم به
«دانشجویان به دانشگاه آمد» (اینچه حدف
شناسانی) تبدیل کنیم.

در حالی که خاصیت اصلی ضریب، جانشینی
است و مدت نقض نشره فعالیت با کلمات
دیگر، خاصیت دوم و عصاره آن است و
اما تأثیر گذشته از زبان‌های بیگانه:
تأثیر و تأثیر در تقابل زبان‌ها، امری محدود و
معمار است. معمولاً ریشه‌های غالب و
پیشینه‌های بیشتری در زبانهای دیگر
مگذارند و خودی به مطلب اصل
مکننی‌شده کمی از زبانهای دیگر تأثیر
گذارند.

سپس بعد از دانشگاهی، فارسی، نیز از این
فعاد مستند شود و از زبانهای دیگر تأثیر
یافت. اینجا مثل موارد، پیش‌بینی
اصطلاحات مورد بحث به جهت تأثیر گذاری
از زبان اکلیسی است.

اصطلاحات: ضریب فاعلی ضریب فعل
ضریب عامل و ضریب انگیزی، در زبان
انگلیسی رواج دارد. مثلاً، کلمه اخیر است و
در این حالت هم اینکه در مقالات عالی به کار
می‌رود. ضمن داشتن معنی فلسفی، که از (ک) جانشینی است، باید نمونه و
معنی نیز داشته دارد. و این معنی، به تنهایی
عوارض و خاصیت تناوی نیست. بلکه در
شرح و تلفظ کلمه به‌طور کلی است.

برای ورش شنی کلمه، طرح مالی
۱. ما علی را دیم.
۲. علی نیز ما را دید.
۳. دوست مالی است.
تستطيع استخراج أي نص من الصورة. لا توجد صورة للعثور عليها.

لا يمكنني قراءة النص من الصورة.

لا يمكنني قراءة النص من الصورة.

لا يمكنني قراءة النص من الصورة.

لا يمكنني قراءة النص من الصورة.

لا يمكنني قراءة النص من الصورة.

لا يمكنني قراءة النص من الصورة.

لا يمكنني قراءة النص من الصورة.

لا يمكنني قراءة النص من الصورة.

لا يمكنني قراءة النص من الصورة.

لا يمكنني قراءة النص من الصورة.

لا يمكنني قراءة النص من الصورة.

لا يمكنني قراءة النص من الصورة.

لا يمكنني قراءة النص من الصورة.

لا يمكنني قراءة النص من الصورة.

لا يمكنني قراءة النص من الصورة.

لا يمكنني قراءة النص من الصورة.

لا يمكنني قراءة النص من الصورة.

لا يمكنني قراءة النص من الصورة.

لا يمكنني قراءة النص من الصورة.

لا يمكنني قراءة النص من الصورة.

لا يمكنني قراءة النص من الصورة.

لا يمكنني قراءة النص من الصورة.

لا يمكنني قراءة النص من الصورة.

لا يمكنني قراءة النص من الصورة.

لا يمكنني قراءة النص من الصورة.

لا يمكنني قراءة النص من الصورة.

لا يمكنني قراءة النص من الصورة.

لا يمكنني قراءة النص من الصورة.

لا يمكنني قراءة النص من الصورة.

لا يمكنني قراءة النص من الصورة.

لا يمكنني قراءة النص من الصورة.

لا يمكنني قراءة النص من الصورة.